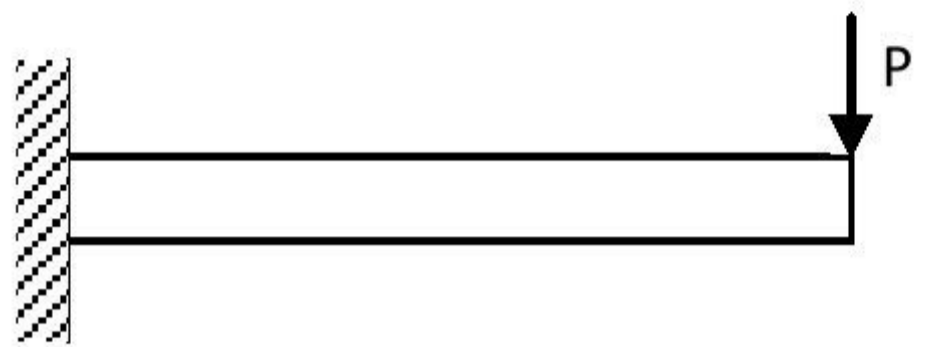
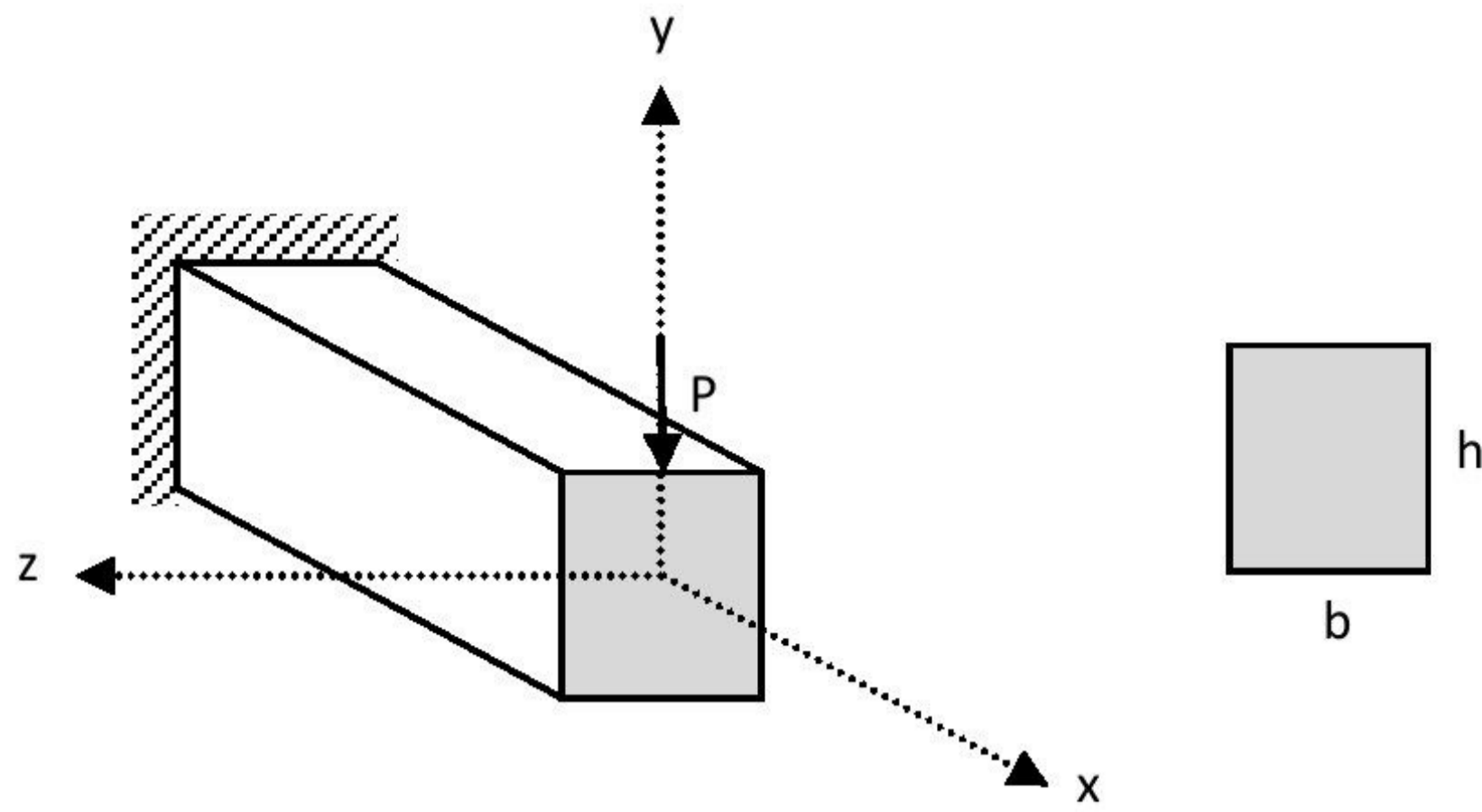
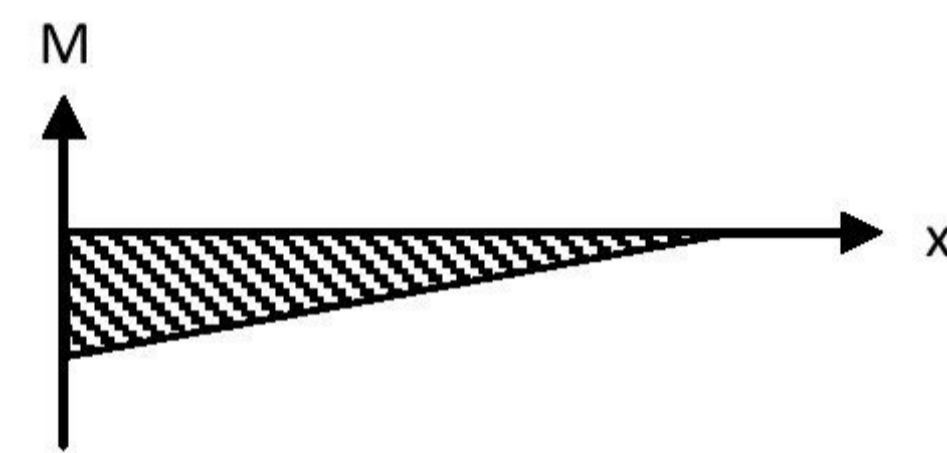


خمش دوماحوری:

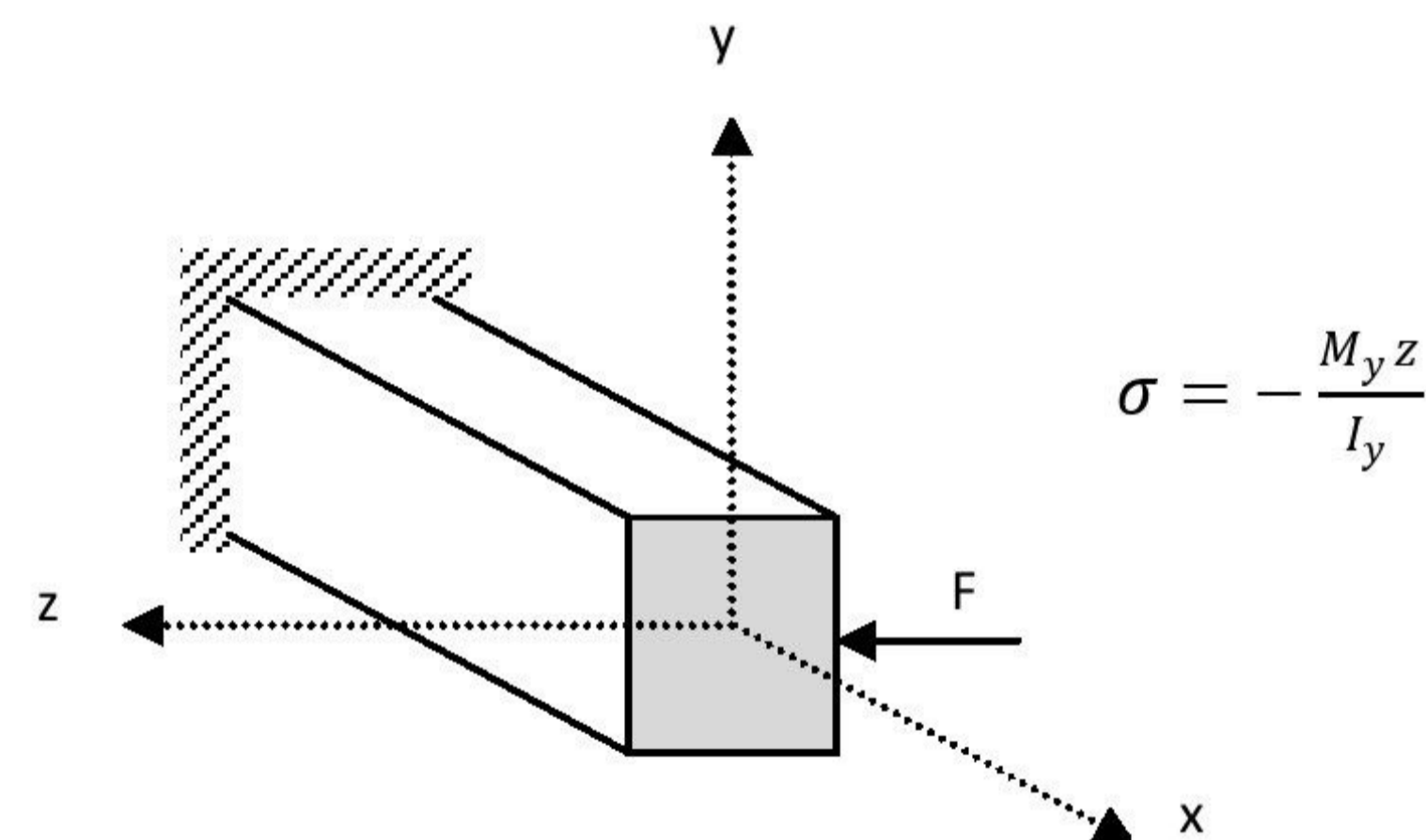
الف) اگر نیروی P مطابق شکل بر تیر اثر کند :



$$\rightarrow \sigma = -\frac{My}{I} \quad M < 0 \rightarrow \begin{cases} \sigma > 0 \\ \sigma < 0 \end{cases}$$



ب) اگر نیروی F به صورت زیر به تیر وارد شود :



$$\sigma = -\frac{M_y z}{I_y}$$

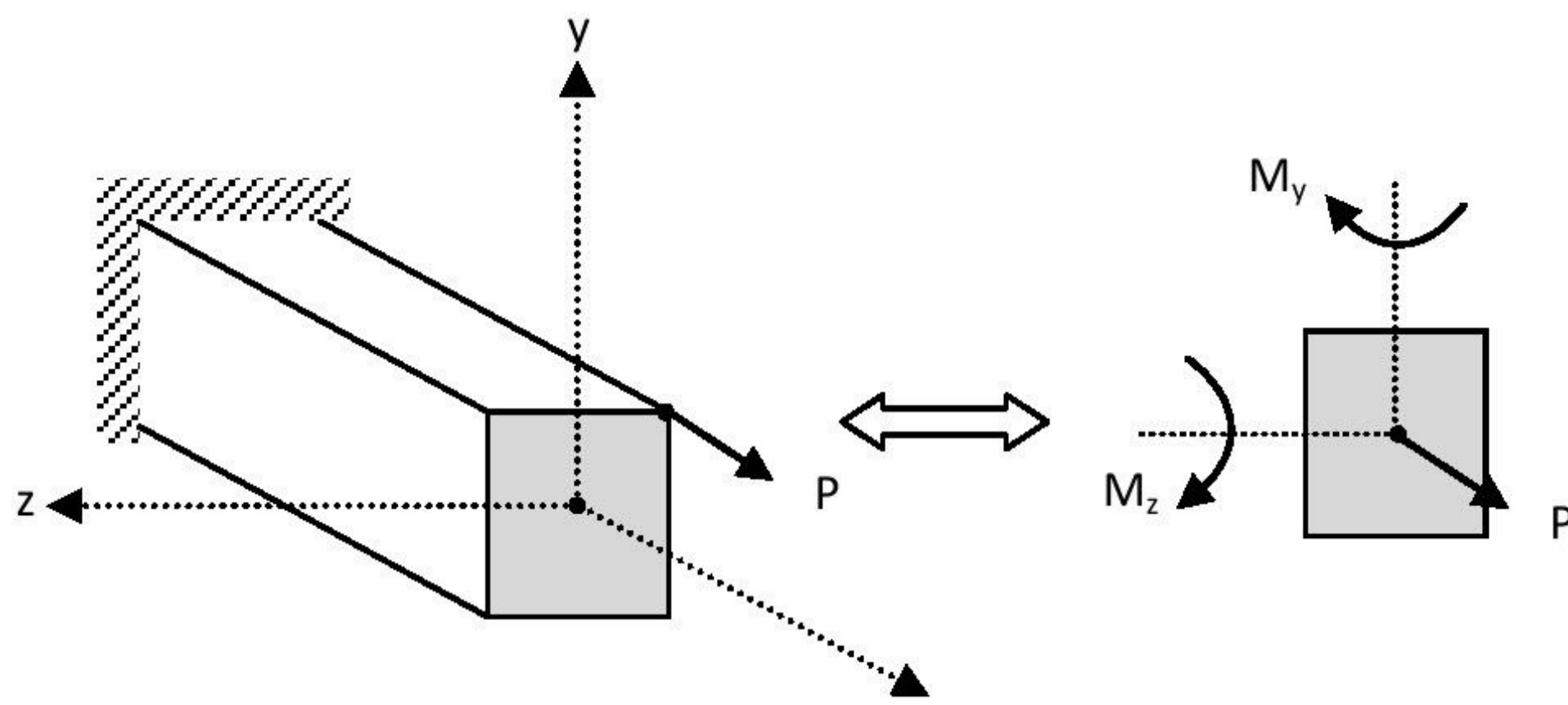
ج) اگر F و P همزمان عمل کنند :

$$\sigma = -\frac{M_z y}{I_z} + \frac{M_y z}{I_y}$$

نکته: در مرکز مختصات که $y = 0$ و $z = 0$ تنش صفر است.

نکته: برای بدست آوردن محور خنثی کافیست رابطه تنش را مساوی صفر قرار دهیم.

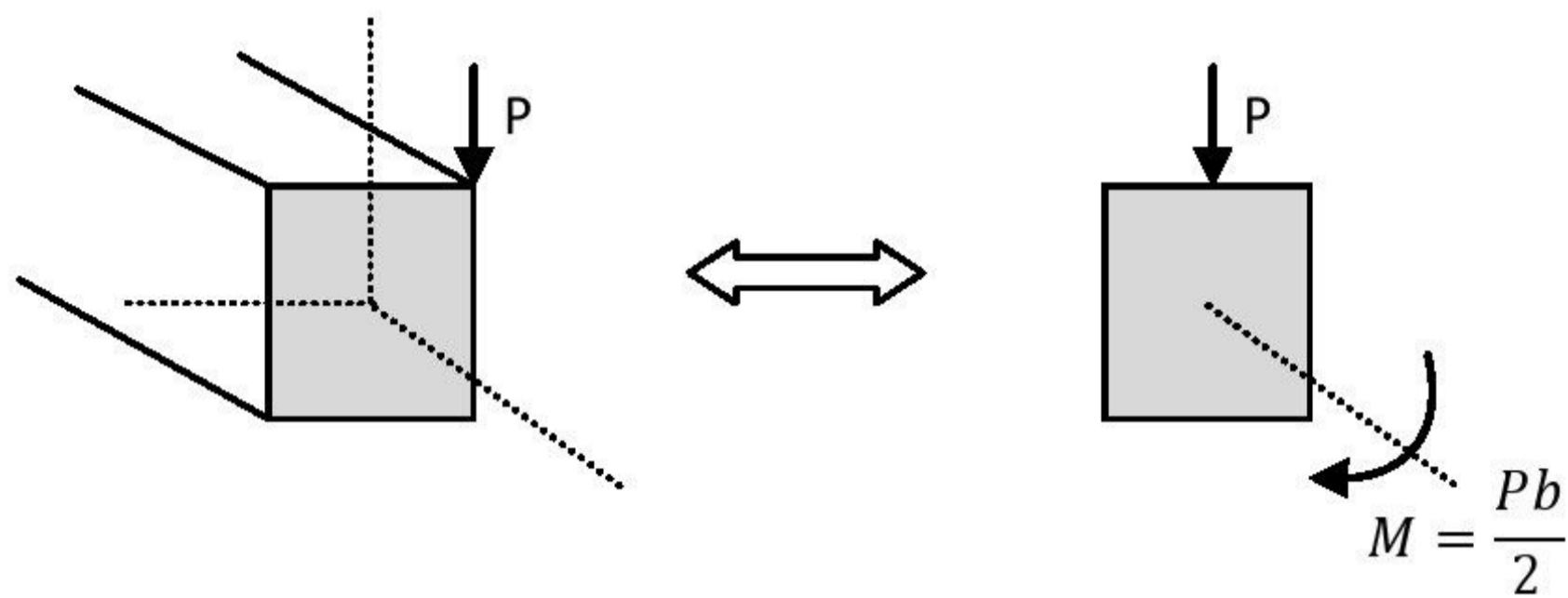
$$\sigma = -\frac{M_z y}{I_z} + \frac{M_y z}{I_y} = 0 \quad \rightarrow \quad y = \frac{M_y}{M_z} \cdot \frac{I_z}{I_y} z \quad \text{: معادله خط}$$



(د) اگر نیرو از مرکز جرم نگذشته باشد :

$$M_y = -\frac{Pb}{2}, \quad M_z = -\frac{Ph}{2}$$

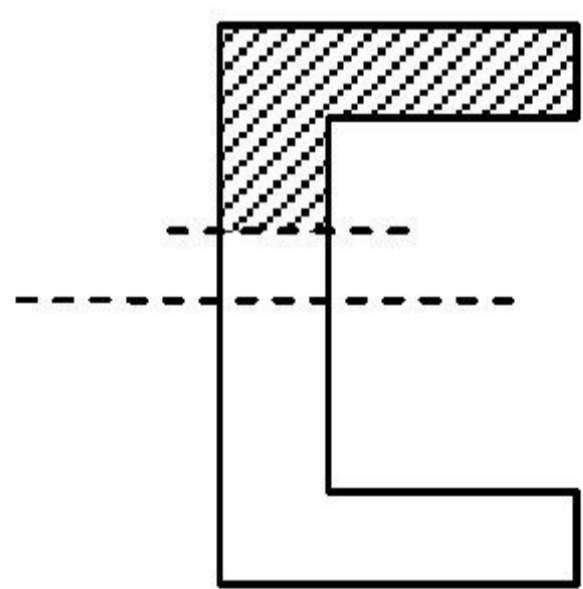
$$\sigma = \frac{P}{A} + \frac{M_y z}{I_y} + \frac{M_z y}{I_z}$$



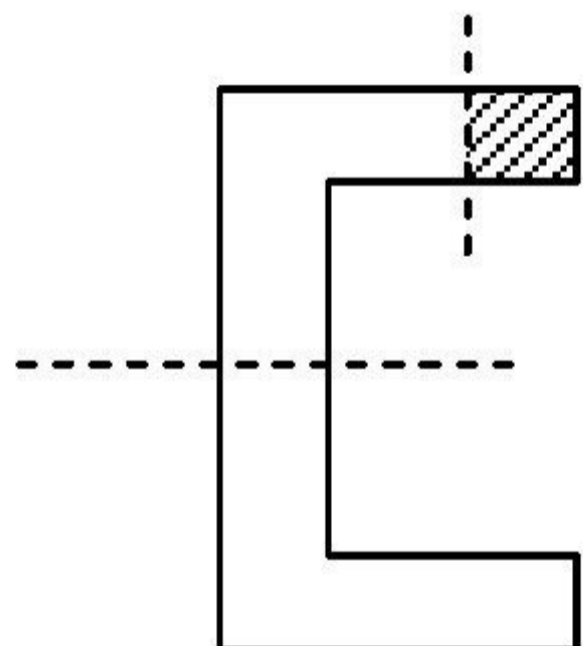
(ه) گشتاور حول x که باعث پیچش می شود :

جریان برش در جدارنازکها:

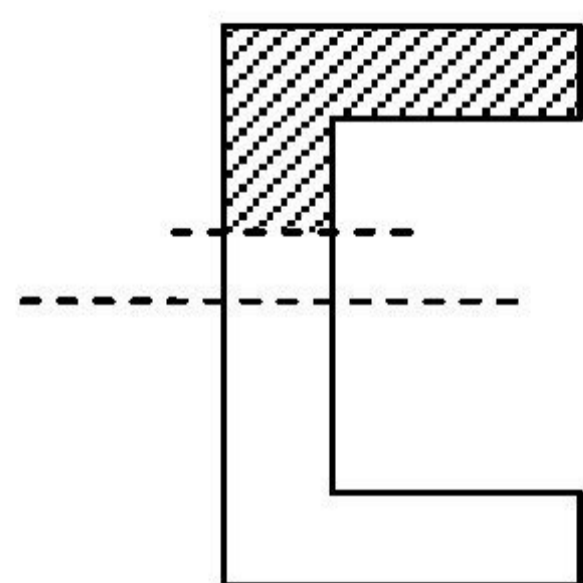
هرگاه عرض برش زده کم بود (مانند جدارنازکها) فرض می شود که تنش برشی روی سطح یکنواخت است.



$$f = \frac{VQ}{Ib} \times b = \frac{VQ}{I} \quad \text{جریان برش}$$

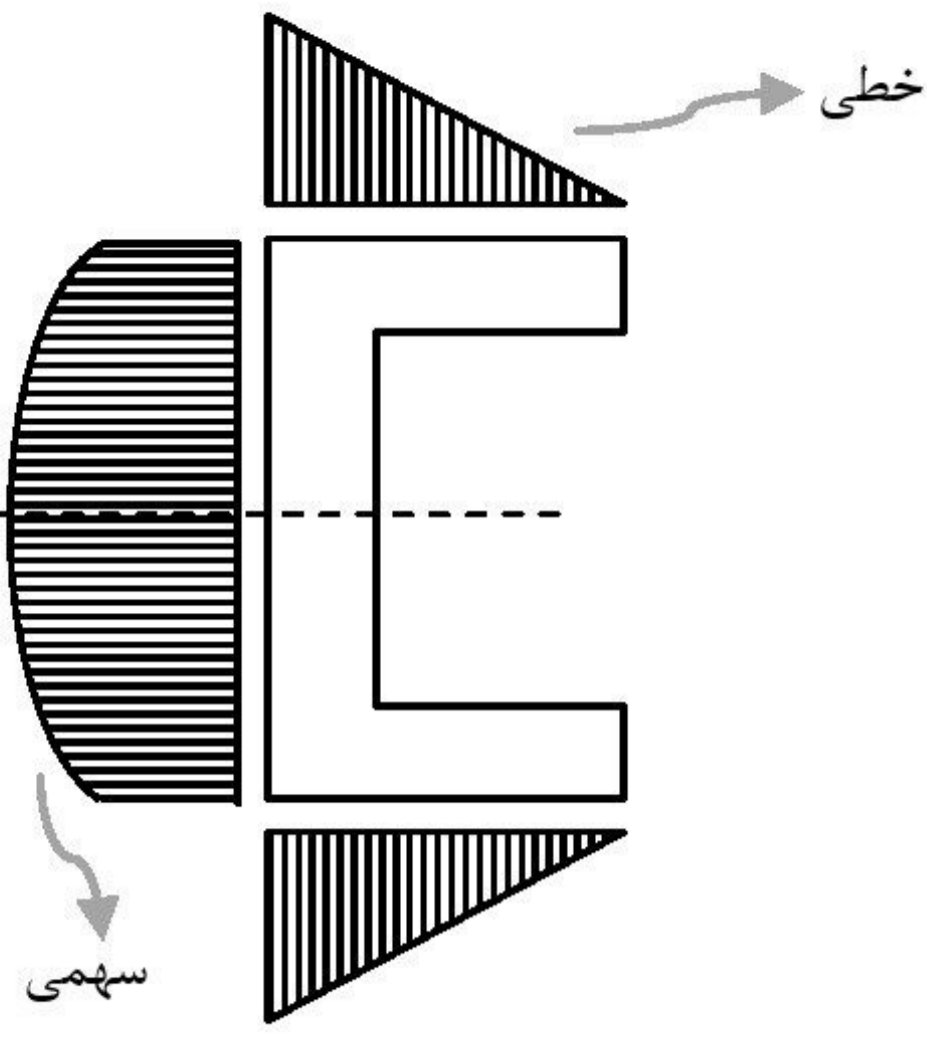


$$\tau = \frac{VQ}{Ib} \rightarrow \text{متناسب با } Q \text{ به صورت خطی در طول تغییر می کند.}$$

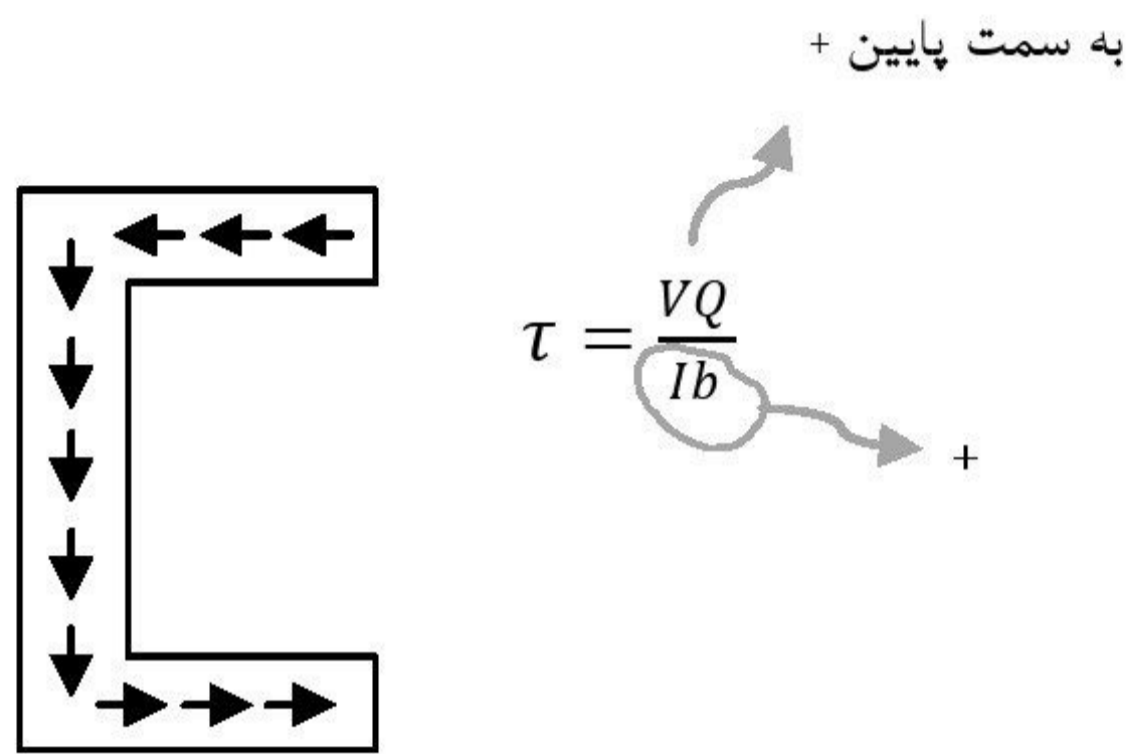


$$\tau = \frac{VQ}{Ib} \rightarrow \text{متناسب با } Q \text{ به صورت سهمی در ارتفاع تغییر می کند.}$$

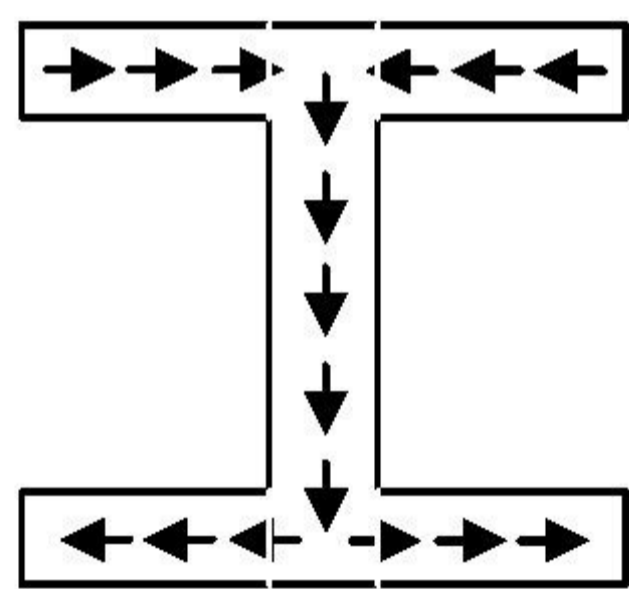
- نمایش تغییرات تنش برشی در طول و ارتفاع :



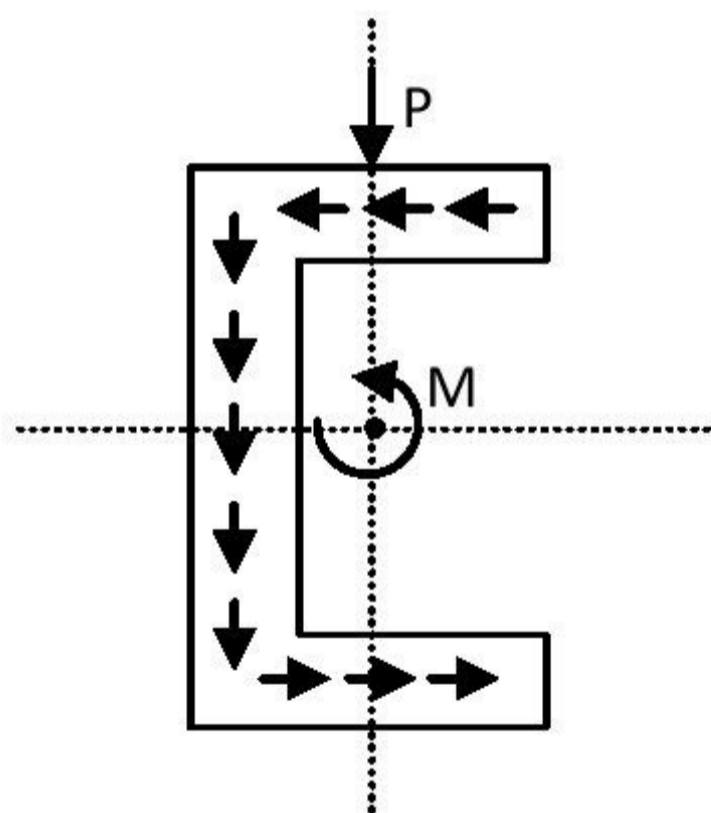
- نمایش جهت تنش برشی در طول و ارتفاع :



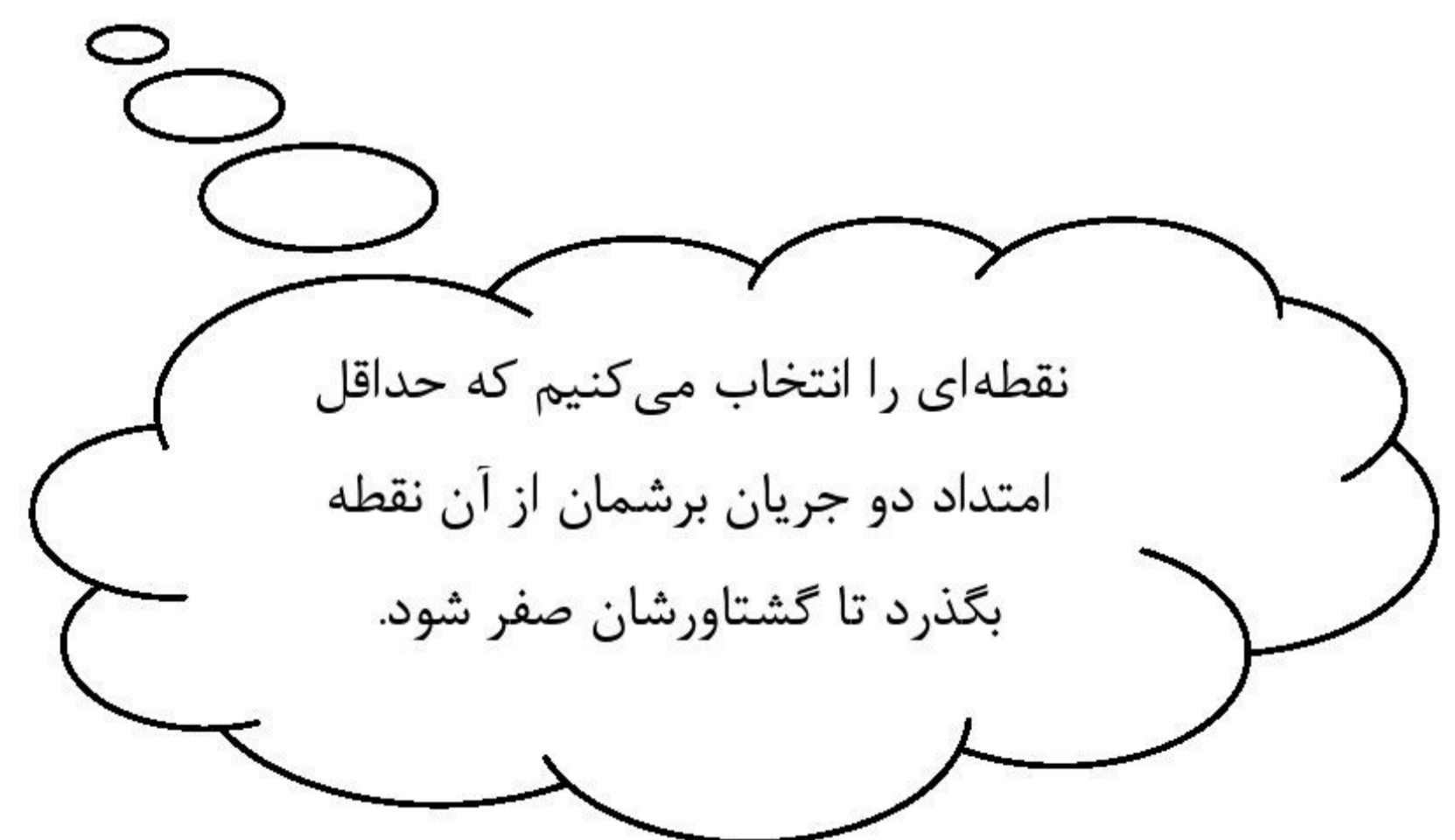
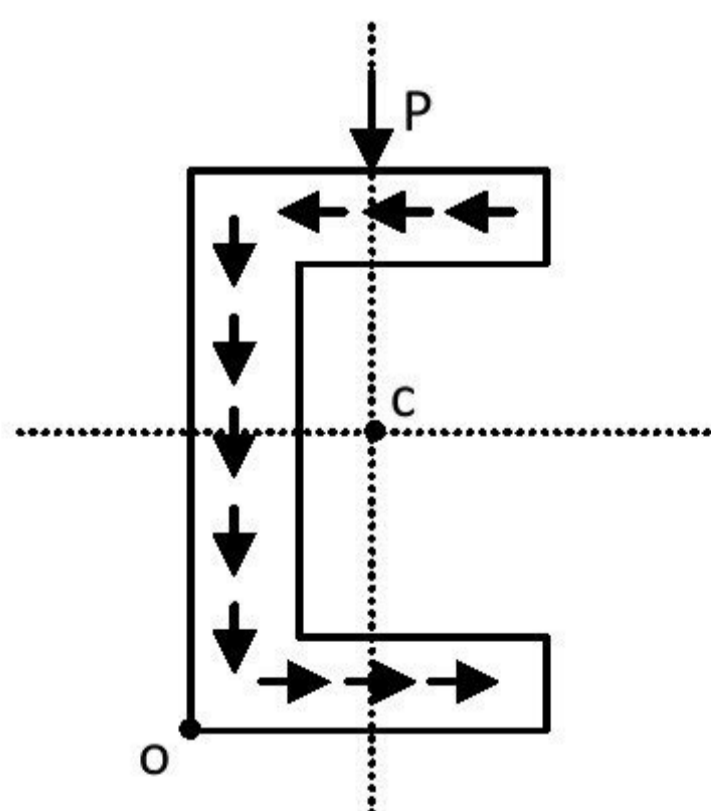
- در خمش جریان برش به گونه ایست که از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج می شود. بر خلاف جریان برش در پیچش که همواره دوران وار بود.

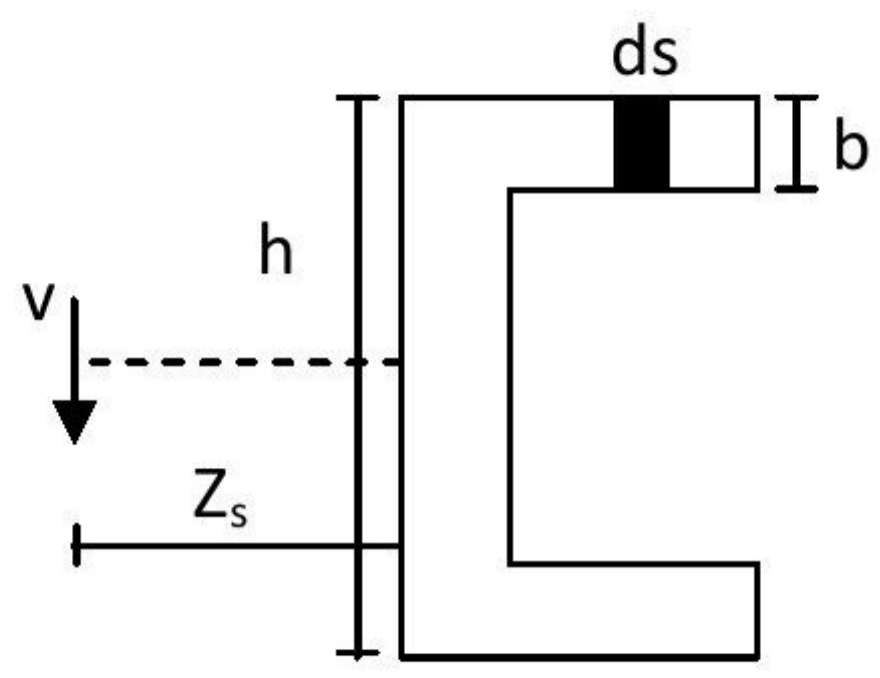


در جدارنازک ها باید دقت شود که تعادل حول مرکز سطح بررسی شود و بار به جایی وارد شود که سطح جدارنازک ما تحت پیچش قرار نگیرد :



برای پیدا کردن محل وارد کردن با بدون ایناد پیچش :





$$\int_0^d \tau (bds)h = VZ_s$$

$$\int_0^d \frac{VQ}{IB} \cdot bh \cdot ds = VZ_s \quad \rightarrow \quad \frac{h}{I} \int_0^d Q ds = Z_s$$

$$\text{از طرفی: } Q = b \times s \times \frac{h}{2} \quad \rightarrow \quad \frac{h^2 b}{2I} \int_0^d s ds = Z_s \quad \rightarrow \quad Z_s = \frac{h^2 b d^2}{4I}$$

(Z_s : مرکز برش)